هفته نامه

نوید

(وابسته به حزب تودهٔ ایران)

سال سوم - شمارهٔ ۴۸ - یکشنبه ۹ مهر ۱۳۵۷

خبر بجای سرمقاله

به مناسبت اوج گیری مبارزه نظاهرات و سرکوبهای اعتصابی که جنبش دموکراتیک و انقلابی میهن ما را وارد مرحله سرنوشت ساز کرده است و با توجه به ناسور شدنی که رژیم در این لحظات حساس و حیاتی بر وسایل ارتباط جمعی حاکم کرده ، هیات تحریریه نوید تصمیم گرفت این هفته با حذف سرمقاله ، جای بیشتری را برای انعکاس رویدادهای اعتصاب و اعتراض مربوط به پیکار مردم دلیر میهنمان تامین کند.

ضمنا به خاطر تراکم بیش از پیش خبرها نوید این هفته به جای روزشمیه ، استثنائا یکشنبه منتشر شد تا امکان دانستن بیشتر خبرهای هرچه بیشتری را تا آخرین لحظه مقدور مستمکن سازد.

تهنیت هیئت تحریریه نوید به کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت آغاز سی هشتمین سال فعالیت حزب

بوی بهاری را که مژده داده بودید، می شنویم

سی و هشتمین سال فعالیت حزب توده ایران در شرایطی آغاز می شود که گردبادهای انقلاب ، کاخ استبداد سلطنتی را ازریشه وبن می لرزانند و جنبش توده ای با وسعت وشکوفندگی خیره کننده ای راه مقدس خود را از میان باران گلوله ، دریای خون وحصارهای اختناق وتوحش وسرنیزه باز می کند و ظفرمندانه پیش میرود. نقش را در روز حزب توده ای ما با اوج گیری مرحله نوین مبارزات خلق ، مجال مناسبی است تا با دردهای تشنج و گل های سرخ شهیدیست که نشان رشما می کنیم ، درفرار و فرودهای سالیان پر تلاش اخیر حزب وتوده ها و تجربیات گرانبهائی که در این مسیر برای طبقه کارگر ایران وجنبش عمومی مردم به بار آمده ، مرور ومکث کوتاهی کنیم و آنها را به پیروزی می نزدیک ، با تکیه بر این دستاوردها ، صیقل و جلا دهیم.

ما اینک بر سر چهارراه حادثه خیزی رسیده ایم که از هر یک از راههای آن توفانی از نهضت وکینه ودسیسه و اغوا با بحسین وامید و شوق بر سرمان می بارد. از یک سو دامنه تبلیغات بیشتر یک رژیم شاه و شرکاء علیه حزب توده ای ما چنان اغوا کننده وخشماکین شده که از جلسه هیات دولت تا پارلمان فرمایشی ، از رادیو و تلویزیون های دولتی تا روزنامه های زیر سانسور ، از نویسندگان های ارسی تا کارخانه های شاه ساز و دروغ و لجن پراکنی ساواک سخت به آن مشغول شده اند - و از سوی دیگر گروهک های انقلابی نما ، دارودسته های مائوئیستی ، شبه فاشیستی ، احزاب خلق الساعه ای که یکشبه از آسمان سیاه ساواک سر بیرون آورده اند ، تمامی هم و غم خود را معطوف به تاخت و تاز به مبارزان توده ای و آرمان های علمی و پرولتری آنها و تحریف و تخریب جهان بینی دوراندیش مارکسیست - لنینیستم که قطب نما و چراغ راهنمای حزب ما ست کرده اند وازسر غیظ و کینه هرروز جبهه تازه ای درستیز و کین جویی با حزب طراز نوین کارگری ما می گشایند. اما علی رغم همه این معرکه گیری های ریاکارانه ، از جوانب دیگر: از جانب توده های وسیع مبارزان پی گیر راه آزادی و عدالت ، از جانب طبقه رزمنده کارگر ایران که سا مقاومت ورزم وپورش خود استخوان های سلطنت مطلقه را خرد می کند. هرروز وهرلحظه حمایت و استقبال و شورپیشتری متوجه ما می گردد، دست های جدیدی به سوی ما دراز میشود وما را روبه ایران تازه ای ، نیرو و زندگی خود را وقف مبارزه و سرسپردگی آرمان ها و آرزوهای سوسیالیستی و مردمی حزب ما می کنند. هم آن جنگ ودندان نشان دادن ها تاسیه و کدب و سالوس و ریاکاری ها وهم این تاشیه وسیع خلقی و پرولتری ، گواه زنده بودن حزب ما ، رشد توقف ناپذیر آن ، حقانیت پیکار و خطر روزافزونی است که در وجودآن سنگرهای ارتجاع و استثمار را تهدید می کند.

این واقعیتی است که درمیان این همه مدعیان ریکارنگ و پر هیاهوی مارکسیسم و سوسیالیسم علمی ، تنها و تنها حزب توده ایران است که در دشوارترین جو پلیسی و در بحبوحه سردی امانی که در آن امکان مرگ و شکنجه وزندان وتعقیب

←

گزارشی از هیئت اعزامی نوید به طبس

صدای مرگ شاه، بر روی ویرانه های خونین طبس

بازماندگان زلزله طبس ، آنها که خانه های خشت وگلی بر سرشان فروریخت و هزاران نفرشان را درقلب کویر ایران برای همیشه خاموش کرد، هنگام بازدید نمایندگان شاه وهمسرش از مناطق زلزله زده از آنها استقبال عبرت انگیزی کردند.

۴۸ ساعت قبل از بازدید شاه ، چندهواپیما به طبس رسید. این هواپیماهای ارتشی افرادکارد سلطنتی را با خود داشتند. کاردی ها طبق معمول همه جا را به دلت زیرو رو کردند و در تمام منطقه مستقر شدند. آنها حتی در میان خرابه هایی که تنها چندی پیش خانه بودند و اکنون گور هزاران انسان شریف ایرانی هستند ، و در گورستان های عمومی به پاسداری مشغول شدند درحالیکه مسلسلها بشان آماده شلیک بود. صدها زلزله زده بی خانمان وگروه کثیری از مردم که برای کمک به زلزله زدگان رفته بودند ، دیدند که پیش رویشان صدها چادر ، آشپزخانه وتوالت صحرایی برای استقرار کاردی ها به سرعت آماده شد ، درحالی که در همان موقع ، به روستاهای ویران شده حتی یک چادر نرسانده بودند وگروهی ازکسانی هم که به طبس آمده بودند چادری را اختیار نداشتند. آنجا بی هم که چادر بود ، از آشپزخانه و توالت صحرایی خبری نبود. زلزله زدگان خشمگین می دیدند که چگونه میشود امکاناتی را چندماهه فراهم کرد ، درحالی که اولین چادرهای دولتی بعد از ۴ روز به منطقه زلزله زده رسیده بود. مردم می دیدند که همه گروه های دولتی برای نمایش آمده اند. کارها همه نمایشی است گروهی از مقامات دولتی سرگرم چپاول کمک های رسیده اند وعده ای در هم با خود به این منطقه مصیبت دیده آورده اند. آنان می دیدند که چندد ستگی چطور نمایندگان را به جان هم انداخته است همه می خواستند رئیس باشند ، کسی به فکر مردم نبود.

درعوض مردم ، روحانیون آزادیخواه ، دانشجویان مردمی ، پزشکان شریفی که داوطلبانه آمده بودند ، بقالی که از تهران آمده بود وقصابی که خودش را از یزد رسانده بود ، همگی هرقدمی برمیداشتند ، تلاش و فداکاری وهمکاری می کردند و به مردم - فقط به مردم - می اندیشیدند. مردم طبس ، آنها که زنده مانده بودند با وه های رژیم را به چشم می دیدند ، با گوشت و پوست واستخوان لمس میکردند درچنین اوضاع واحوالی بود که شاه که به دنبال نمایش مهوع همسرخود بر روی ویرانه های خونین طبس ، آمده بود تا مردم را سفر ببیند ، به طبس وارد شد. محوطه ای که هواپیمای شاه در آن نشست چند صدمتر با چادرهای اندکی که برای زلزله زدگان برپا کرده اند فاصله داشت. کاردی ها بین چادرها و هواپیما صف کشیده بودند و قبلا هم به هیچکس گفته نشده بود که شاه چه وقت خواهد آمد. فقط گروه اندکی از زلزله زدگان برای اجرای نمایش مضحک به اصطلاح "عطوفت شاهانه" به باند آورده شده بودند. شاه در حلقه سگان امنیتی قرار داشت و کاردی ها هم حلقه دیگری به دوراو زده بودند. وقتی همه متوجه شدند شاه آمده است یکی از میان مردم از آیت اله خمینی نام برد و بقیه به با رطلوات فریاد زدند. این عمل چندبار تکرار شد . به دنبال آن مردم با خشم وخروش علیه مأموران را درهم شکستند و شاه را محاصره کردند. چهره ها گرفته بود واز چشم ها شراره خشم می بارید و اولین نفر پیرمردی بود که به صدا درآمد:

دنباله در صفحه ۲

درود به کارگران پیکارجوی صنایع نفت

به دنبال اعتصاب پرشکوه بیش از ۳۰ هزار کارگر تاسیسات نفت کشور در تهران ، آبادان ، اهواز ، گچساران ، آغاجاری و .... روز دوم مهرماه کارمندان پالایشگاه نفت آبادان که در حدود یک هزار نفر هستند ضمن تسلیم مفاد خواست های صنفی خود به رئیس پالایشگاه ، مهلت کوتاهی برای انجام خواست های خود تعیین کردند. کارمندان پالایشگاه تهدید کرده اند که در صورت عدم انجام این خواست ها دست به اعتصاب خواهند زد.

کارکنان سازمان تعاونی مصرف نفت آبادان نیز مانند کارکنان سازمان تعاونی مصرف صنعت نفت تهران ، به عنوان اعتراض دست از کار کشیده اند و خواست های خود را که با خواست های کارکنان تهران هماهنگی دارد اعلام داشته اند.

کارکنان پایگاه های فروش بنزین در شهر اهواز نیز برای همبستگی با اعتصاب سراسری کارگران وکارمندان صنعت نفت دست از کار کشیده اند.

از روز ۵ مهرماه حدود دو هزار کارگر قسمت های مختلف صنعت نفت در عارک نیز دست از کار کشیده اند . اعتصاب پر شور این کارگران ، به ویژه در قسمت شرکت پان آمریکن که کار حمل ونقل وبارگیری کشتی های نفتکش را به عهده دارد ، عملا کار صدور نفت خام از این جزیره را دچار اختلال کرده است. رژیم کوشیده است با اعزام سربازان و افرادی از ارتش ازشهرهای خوزستان به عارک جای کارگران اعتصابی را پر کند. اما به علت عدم آشنایی نظامیان اعزامی با کارهای فنی مربوطه ، بارگیری نفت با کندی بسیار صورت میگیرد.

اعتصاب پرشکوه، کم سابقه وسراسری دهها هزار کارگر وکارمند تاسیسات نفت کشور در فرایطی که رژیم تصور می کرد با کودتای نظامی خونین خود می تواند از مبارزات انقلابی مردم ایران جلوگیرد و جنبش عمومی خلق را سرکوب کند، بار دیگر نشان می دهد که جنبش خلق با استفاده از شیوه های گوناگون مبارزه راه خود را به پیش میگشاید و افق آینده آن روشن وتابناک است به ویژه که طبقه کارگر ایران با گام های موزون و پیگیر خود برای تبلیغ مانانه در پیشاپیش این جنبش ، پیکار گسترده ای را آغاز کرده است.

ما از همه کارگران ایران دعوت می کنیم به پشتیبانی فعال از مبارزات برادران اعتصابی خود در تاسیسات نفت ودیگر واحدهای کارشان بپیوندند و با پیوستن به اعتصاب سراسری وارتقاء خواست ها و شعارهای آن ، تشکل طبقاتی خود را در مبارزه با رژیم سلطنت استبدادی وبرای آزادی ، استقلال وعدالت اجتماعی قوام واستحکام بیشتری بخشند. منشأ

مردم ایران توطئه علیه آیت الله خمینی را محکوم می کنند

جبهه ملی ایران ، آیت اله شیرازی، جمعی از روحانیون تهران ونیز جمعیت طرفداران ایران هریک طی اعلامیه ای اطلاع داده اند که از روز شنبه اول مهرماه منزل آیت اله خمینی ، موضع مبارز شیعیان جهان ورجل برجسته ملی وآزادیخواه ، در شهر نجف به محاصره ماموران دولت جمهوری عراق درآمده است به طوری که از هرگونه شمای با ایشان ونیز از هرگونه فعالیت مذهبی وسیاسی ایشان جلوگیری به عمل می آید. این اقدام شریرانه که بی شک نتیجه یک توطئه کثیف و پنهانی است که دست های رژیم ضدملی و ضدموکراتیک شاه در پس آن هویداست ، به حق خشم وانزجار مردم مبارز ایران را برانگیخته است.

جبهه ملی ایران در اعلامیه خود به درستی خاطر نشان می سازد که " جمهوری عراق که از مدت ها قبل در حرکت های ضدمردمی همگام با حکومت استبدادی ایران عمل می کند در هنگامی به چنین اقدام بی شرمانه ای دست زده که ملت ما به دنبال سالها مبارزه بی امان در سخت ترین شرایط تاریخی و دادن هزاران قربانی توانسته است " دستگاه استبداد" وابسته به بیگانه را در سراشیب سقوط قرار دهد."

جبهه ملی و روحانیون مبارز و ترقی خواه ایران برای اعتراض و ابراز انزجار نسبت به این اقدام دولت عراق که طلیعه مبارزات آزادیخواهانه واستقلال طلبانه مردم ایران متوجه است ، روز یکشنبه نهم مهرماه (امروز) را اعتصاب عمومی اعلام کرده اند.

ما ضمن محکوم کردن این توطئه کثیف ، که نه تنها متوجه آیت اله خمینی بلکه متوجه جنبش ملی ودموکراتیک مردم ایران است ، پشتیبانی قاطع خود را از این اعتصاب عمومی اعتراضی اعلام می داریم وازهمه کارگران وزحمتکشان شهروروستا ودیگر اقشار ملی و دموکراتیک دعوت میکنیم که با پیوستن به این حرکت اعتراضی ، در درهم شکستن این توطئه شریرانه وضدملی فعالانه مشارکت نمایند.

با اعتصاب عمومی سراسری کودتای نظامی شاه را خنثی کنیم!

www.iran-archive.com

نبرد اعتصابی ۷ هزار کارگر کشت و صنعت

اعتصاب پرخروش هزار کارگر و کارمند شرکت کشت و صنعت کارون (در ۱۵ کیلومتری شوشتر- منطقه بی بیان) که از روز سوم مهرماه آغاز شده، به طور یکپارچه ادامه دارد. اعتصابگران در محوطه شرکت (کارخانه) اجتماع می‌کنند اما هنوز هیچ کس برای مذاکره با آنها پا پیش نگذاشته است.

اعتصابگران خواست‌های خود را در ۱۸ ماده تدوین کرده و تاکید کرده اند که برای اجرای خواست های خود، هیچ گونه عذری را نمی‌پذیرند و برای تحقق همه آنها به نبرد اعتصابی خود ادامه خواهند داد. کارگران مبارز تاکید کرده اند که به ویژه اجرای ۶ خواست اولیه شان هیچ اختیاجی به زمان ندارد، اما برای انجام سایر خواست‌ها خواهان مهلت لازم را بدهند. ۶ خواست اولیه ۷ هزار کارگر و کارمند اعتصابی کشت و صنعت کارون عبارتست از:

۱- تغییر قائم مقام و مدیر عامل کارخانه در خوزستان و انتخاب شخص دیگری فراز مهندس بیدالله مهرکویسی؛

۲- افزایش دستمزد روزانه کارگران به میزان حداقل ۷۰۰ ریال و تعمیم آن در مورد کارگرانی که دستمزد بیشتری دارند؛

۳- افزایش حقوق کارمندان به میزان ۴۰ در صد بدون احتساب افزایش قانونی حقوق ماهانه؛

۴- اجرای دو روز تعطیل در هفته و تمام تعطیلات رسمی کشور با توجه به تعلق شرکت کارون به بخش خصوصی؛

۵- کاهش قیمت غذا از ۶۰ ریال به ۲۵ ریال و در صورت نبودن غذا به اندازه کافی، در نظر گرفتن کمک هزینه غذایی به میزان ۳۵ ریال در روز؛

۶- جایگزین کردن اتوبوس به جای نفربر برای انتقال کارگران به شرکت.

سایر خواست‌ها (۱۲ خواست دیگر) این‌هاست: تهیه مسکن یا حق مسکن، رعایت سختی مشاغل، حق ایاب و ذهاب، بازگشت ۴۰ کشاورز اخراجی و لغو تمام تعهدات آنها، جلوگیری از ایجاد محیط نظامی در این شرکت، تشکیل صندوق تعاون و حق خواربار برای کارکنان، تشکیل سندیکای کارگری و اتحادیه کارگران، پیاده کردن طرح طبقه بندی مشاغل و تشکیل کمیته ای برای جلوگیری از اخراج بی مورد کارکنان تا تبدیل احکام آنها، ایجاد امکانات رفاهی مثل بهمارستان، فضای سبز، مسجد، باشگاه، کودکستان، مهدکودک، مدرسه راهنمایی پارک و شهرک های مسکونی، اخراج کارکنان غیر لازم خارجی که می‌توان به جای آنها از متخصصان ایرانی استفاده کرد، تصفیه آب آهاسیدنی شهرکها و تبدیل آن به آب شیرین.

اعتصاب کارکنان مخابرات

حدود ۲۰۰ تن از کارکنان شرکت مخابرات روز شنبه ۳ مهرماه به عنوان اعتراض به پائین بودن سطح حقوقشان به ویژه درمقایسه با حقوق های کلان کارشناسان و کارکنان خارجی شرکت دست به اعتصاب زدند که با قول مساعد مسئولان به بر آوردن خواست‌هایشان موقتا به سر کار بازگشتند و اعلام داشتند که درصورت عدم تحقق خواست‌های خود بار دیگر اعتصاب حق جویانه خویش را آغاز خواهند کرد.

کارکنان کاخ مخابرات تهران در قسمت‌های ۱۱۸، ۱۲۶، ۱۲۴ که تعداد آنها بالغ بر ۱۰۰۰ نفر است صبح شنبه ۸ مهرماه (دیروز) به عنوان اعتراض به کمی حقوق و شرایط نامساعد کار برای یک روز دست به اعتصاب زدند. اعتصاب کنندگان تهدید کردند که درصورت ادامه بی‌توجهی به خواست هایشان شنبه ۱۵ مهرماه مجددا دست به اعتصاب خواهند زد.

شرکت مخابرات ایران از سال ۵۶ بنا بر یک قرار دادیک جانبه و اسارت بار تحت نظر شرکت آمریکایی پل اداره می شود و صدها آمریکایی و فیلیپینی در راس بخش های گوناگون این شرکت قرار گرفته اند حتی نگهبانان درهای ورودی شرکت واقع در جاده قدیم شمیران نیز آمریکایی هستند. به این کارکنان خارجی حقوق های گزاف چندده هزار تومانی و مزایای استثنایی پرداخت می‌شود، در حالی که حقوق کارکنان زحمتکش ایرانی این شرکت به زحمت کفاف احتیاجات اولیه زندگیشان را می‌دهد که تازه بخشی از آن هم درنتیجه گرانی تورم فرا بنده به غارت می رود. همه این عوامل خشم هزاران کارگر و کارمند زحمتکش این شرکت را برانگیخته است و آنان تنها راه چاره را در یک اعتصابی برای کسب حقوق حقه خویش و تشکل رزمی در سندیکای واقعی و مدافع منافع خویش یافته اند.

صدای مرگ شاه...

– آی جناب سرهنگ ... آی شاهنشاه! مردم را چرا می‌کشید؟ مردم را نکشید...

رنگ از روی شاه قدرقدرت! پریده بود. بزرگ ارتشتاران! با همان نخوت همیشگی گفت:

– ما مردم را نکشتیم ... زلزله کشت.

پیرمرد فریاد زد:

– تهران را می‌کوبم. منظورم میدان ژاله است. چرا مردم را کشتید؟

شاه سکوت کرده بود. به شدت عرق می‌ریخت. فکر نمی‌کرد مردمی که قهرطبیعت و مصیبت عظیم آنها را درهم شکسته، این طور با او روبرو شوند. زیر لب زمزمه کرد:

– دولت در این باره گزارش داده...

ما موران پیرمرد را کنار کشیدند. جوانی رو در روی شاه ایستاد. گفت:

– من پزشکم. می دانید خانه ها چرا خراب شد؟ به دستور رفرح ساختن خانه آجری در طبس ممنوع بود. برای حفظ به اصطلاح بافت قدیمی شهرک به دردنشان دادن و پز دادن به خارجی ها می‌خورد، به دستور رفرح همه خانه ها با بدخشت و گلی ساخته می‌شد.

بعد پیرزنی جلو دوید. چهره اش و چادرش خونی بود. فریاد زد:

– ۱۸ نفر از فامیلم کشته شدن. از ۴۰ هزار تا چادر ۳ هزار تا به ما دادن، بقیه رو دزدیدن.

شاه باز هم سکوت کرده بود. عرق ترس و مرگ می‌ریخت.

پیرمرد دیگری جلو دوید. داد زد:

– دولت هیچ کاری نکرده، اگر کمک مردم نبود ما مرده بودیم.

در این موقع از طرف چادرها صدای صلوات شنیده شد. بقیه زلزله زدگان متوجه حضور شاه شده بودند و می‌آمدند با خشم خود را نشان کنند. شاه شاهان هم که استاد فراست، بلافاصله جیم شد و در حالی که فرار بود از چادرها دیدن کند، به سرعت برگشت و به طرف هواپیما رفت. در پای پلکان خواپیما پیرمردی خود را به شاه رساند و گفت:

– ما از تو هیچ توقعی نداریم. فقط یک مدیر خوب می‌خواهیم که خودمان کارمان را انجام بدهیم.

شاه گفت: چشم!

و به سرعت خود را به داخل هواپیما انداخت.

این اعتراض خلقی زلزله زدگان را بلندگوهای ساواک زده به صورت استقبال از شاه و شکایت به او "منعکس کردند و رادیوی دولتی هم گفت که شاه از چادرها بازدید کرده است. زهی بر این همه بی شرمی! وقتی شاه رفت، گاردی ها هم چادرها، آشپزخانه و توالت ها را جمع کردند و با خود بردند.

کبوتر	کار

پیام به: احمد سروری

نامه ای که به شما رسیده از طرف حزب توده ایران است. امیدواریم طبق آن عمل نمائید.

گلوله باران مردم مبارز قم

از قم خبر می‌رسد که گارهای شاه یکبار دیگر مردم مبارز این شهر را به گلوله بسته اند. گلوله باران مردم در روزهای چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه صورت گرفته است و هنوز تعداد تلفات مشخص نیست. تظاهرات از بعد از ظهر چهارشنبه در جریان مجلس ختم فرزند آیت اله گلپایگانی در اطراف حرم و خیابان محمدرضا شاه شروع شد. عده زیادی در جریان این تظاهرات دستگیر شده اند.

اعتصاب کارگران شرکت راهسازی

کارگران شرکت ماشین‌های راهسازی در اهواز در نخستین روز مهرماه دست به یک اعتصاب همگانی زدند تا به این وسیله کارفرما را مجبور به قبول خواست‌های حقه خود کنند. طبق گزارش‌های رسیده در دومین روز اعتصاب کارفرما یک مهلت ۲۰ روزه خواست تا تمام خواست‌های کارگران را برآورده کند. کارگران ضمن پاسخ دادن موقتی به اعتصاب خود، اعلام داشتند درصورت اجرا نشدن خواستهایشان تا پایان مهلت تعیین شده بار دیگر دست از کار خواهند کشید.

کارگران خواهان افزایش دستمزد، حق مسکن، تجدید نظر در مرخصی سالانه و افزایش آن، تغییر بعضی از مدیران، تغییر ساعت کار و تقلیل آن، کاهش حق بیمه، بهبود کیفیت غذا و دایر شدن سرویس رفت و آمد هستند. کارگران همچنین خواهان برپایی جلسات ماهانه با شرکت مدیران مسئول برای رسیدگی به مشکلات کار می‌باشند.

تظاهرات بر مزار شهدای آبادان

به مناسبت چهلمین روز فاجعه دلخراش کوره آدمسوزی شاه در سینما رکس آبادان و شهادت جمع بیش از ۸۵۰ نفر از هموطنان بی گناه ما، روز پنجشنبه ۶ مهر هزاران نفر از مردم آبادان و دیگر شهرهای خوزستان که برای شرکت در این مراسم خود را به آبادان رسانده بودند در زیر برق سرنیزه حکومت نظامی در گورستان این شهر جمع شدند و با شعار "مرگ بر شاه" یکبار دیگر اعلام داشتند که تا برچیده شدن بساط سلطنت استبدادی از پا نمی‌نشینند.

مردم در محاصره تانک و زره پوش و کامیون های مملو از سربازان مسلح خطاب به سربازان فریاد کشیدند: "شاه مجاهدکش است". "شاه مسلمان کش است". "شاه نمازی کشیم". "برادر ارتشی، چرا برادر کشی؟"

گزارش‌های رسیده حاکی است که مردم مدها دسته گل به طرف سربازان مسلح که در گورستان مستقر شده و یا سوار بر کامیون‌های ارتش بودند پرتاب کردند و بار دیگر پیوند ناگسستنی خود را با سربازان که اتک در چشمهایشان حلقه زده بود و خود را در سوگ و ماتم مردم شریک می دیدند، به آنها یاد آور شدند. مردم یکبار دیگر به برادران ارتشی خود نشان دادند که شاه با گلوله باران مردم توسط دژخیمان ساواک در لباس ارتش و اعدام‌های دسته جمعی در پادگان‌ها، نمی‌تواند پیوند خلقی را که میان سربازان و ارتشیان آزادیخواه و مردم وجود دارد، پاره کند و آنها را برای همیشه رودرروی هم قرار دهد. این تظاهرات پر شور و با شکوه بدون دخالت سربازان پایان یافت.

بوی بهاری را که مژده داده بودید...

بسی فراتر از شانس زنده ماندن و سلامت زیستن است عملا پرچم نبرد را به دوش گرفته و آن را بر فراز کارخانه ها و دانشگاهها، کوچه‌ها و خیابان ها، مدرسه ها و خانه ها به اهتزاز درآورده است. حزب توده‌ای ما به بهای آزادی و زندگی بهترین و شریف ترین مبارزان و فرزندان وفادار علم و مارکسیسم و میهن، تبلیغات و تهاجمات دستگاه های باوه پرداز حکومت را عملا خنثی کرده و با شکستن دیوارهای ساانسور و اختناق از طریق انتشار بسیار وسیع آثار علمی و مارکسیستی، خبرهای افشاگر و تفسیرها و واقعیاتی که چون هوای تازه بر موجیابی رژیم استبداد سلطنتی می‌وزد و آرام ذره ازهم می پاشد، نه در میدان حرف، بل در میدان عمل با تمامی قامت با رژیم درنده، جهاولگر و گندیده و ایران بربا دده شاه - ساواک گلاویز شده است. این افتخار ابدی شماست که با به کار گرفتن مبتکرانه شیوه های نوین سازماندهی و تبلیغ و ترویج، متناسب با شرایط ویژه ایران درعین حال که تلفات و خسارات و ضایعات مبارز را به حداقل ممکن رسانیده اید، صدها و هزاران بار بیش از هر سازمان و تشکیلات دیگر که زیر ماسک و ردای مارکسیسم تنها به تشخوار حرف و تئوری با آزمودن دوباره و چندباره تجربیاتی که درگوران عمل، شکست و پوچی آنها ثابت شده است در فنی شرکردن تئوری و پراتیک جنبش انقلابی میهن ما، در افشا ندن بذر جهان‌بینی علمی و انقلابی در میان طبقه کارگر ایران، در رسوا کردن رژیم استبدادی و فارتگرو منگی به امپریالیسم، موفق بوده اید حزب ما که به حق حزب شهدا و قهرمانان لقب گرفته، در آغاز سی وهشتمین سال حیات پرحادثه و رزم خود می‌تواند با اطمینان تاکید کند که در مبارزه با انواع تئوری ها، شبه تئوری های اختراعی، فورمولها و ادعاهای سیاسی انحرافی از چپ و راست، از ماجراجویی آنارشیستی و خرده بورژوایی تا سازشکاری بورژوا - لیبرالی، از انقلابیگری کاذب ماتوئیستی تا تسلیم طلبی و فرصتی، پیروز مند بیرون آمده و صحت و استحکام نظرات و استراتژی و تاکتیک های انقلابی آن در آزمون عمل به اثبات رسیده است. استقبال شور انگیز و پر شتاب گروه ها و عناصر مبارز و انقلابی و به ویژه طبقه کارگر ایران از حزب ما، بهترین گواه و تصدیق این نظر است. نسل جوان مبارزه جوی وطن ما اینک با اعجاب شاهد است که چون ارانی کبیر، به شکوفه نشسته، خون روزبه گرد و رنج هزاران زندانی و شکنجه دیده و شهید شده سلحشور و جنگی تا بدبر سر درخت تناور انقلاب ایران در حال میوه دادن است و جویبارهون همه شهدا و قهرمانان نامی و گمنام حزبی که تار و پود آن با تاریخ معاصر میهن مادر آمیخته، به هم می پیوندد و رودخانه پر خشم و وقار جنبش انقلابی خلقهای ایران را به سوی افق های خوشبختی و پیروزی می راند.

وظیفه خود می دانیم در آستانه سی وهشتمین سال تاسیس حزب بگوشیم: رنج های و خستگی ها و رزم طاقتهای متبرک و پربار رودلها و دستهایتان از عزم و نیرو سرشار باد... بوی بهاری را که نوید داده بودید، از هم اکنون در اعتصابات رزمی پیاپی و نبردهای صنفی و سیاسی موج وار طبقه کارگر و خروش دلیرانه و میلیونی خلق های بپا خاسته که در گیر آفرینش تاریخ نوین و شگرفی هستند، می‌شنویم. صدای شما، صدای آزادی ایران جاودانه باد...

هیات تحریریه هفته‌نامه "نوید"

برای سرنگونی استبداد سلطنتی و استقرار جمهوری ائتلافی ملی مبارزه کنیم!